

TÜRKÇE, FARŞÇA VE URDUCA DİLLERİNİN DİLBİLİMSEL İLİŞKİLERİNE DAİR KARŞILAŞTIRMALI ÇALIŞMA

MOHAMMAD KIOUMARSİ*

Öz: Farklı diller arasındaki gramatikal, çekimsel, sözdizimsel ve yapısal benzerliklerin varlığı tartışmalı ve dikkate alınması gereken bir konudur. Bu alanda uzun zamandan beri, alanlarında önemli bir yere sahip olan dilbilimciler ve uzmanlar tarafından bilimsel çalışmalar yürütülmüştür. Özellikle edebiyat ve dilbilimin farklı alanlarında başvurulan yöntemlerden biri de karşılaştırma usulüdür. Aslında dil, edebiyat ve felsefe çalışmalarında karşılaştırma oldukça rağbet görür. Türkçe, Farsça ve Urduca'nın sözdizimlerinin ve yapıları hususunda ortaya konulan karşılaştırmalı bir analiz, bize bu dillerin belirli, güvenilir ve gramatik özelliklerini detaylıca anlamamıza vesile oldu. Bu sebeple bu çalışma, dillerin gramatikal bağlarını, dil öğelerini, dil özelliklerini, bölgesel ve dünya edebiyatının beklentilerine katkıda bulunarak çekim ve söz dizimsel konular açısından bu üç dil arasındaki benzerlik ve farklılıkları değişik açılardan ele alan önemli bir girişimdir.

Bu çalışma, “Türkçe, Farsça ve Urduca Dillerinde Karşılaştırmalı Dilbilim Araştırmaları” projesi kapsamında İstanbul Üniversitesi’ndeki misafir öğretim üyeliği süresince Tahran Üniversitesi tarafından finanse edilmiştir.

Anahtar Kelimeler: Karşılaştırma, Gramatikal İlişki, Karşılaştırmalı Edebiyat, Türk Dili, Fars Dili, Urdu Dili.

A COMPARATIVE LINGUISTIC STUDY OF THE GRAMMATICAL RELATIONS OF TURKISH, PERSIAN AND URDU LANGUAGES

Abstract: The existence of grammatical, inflectional, syntactic, and structural similarities among different languages is a controversial and worth considering issue. In this area, for long, scientific studies have been conducted by linguists and experts who have an outstanding position within the realm of linguistics. One of the research methods which is employed in different areas of science especially literature and linguistics is compara-

* Doç. Dr., Urdu Dili ve Edebiyatı Bölümü, Yabancı Diller ve Edebiyatlar Fakültesi, Tahran Üniversitesi (kiamarsi@ut.ac.ir)

time design. In fact, comparison enjoys widespread popularity in the studies of language, literature and human thoughts. A contrastive analysis of the syntax and structure of Turkish, Persian, and Urdu languages was deemed to provide us with insights into specific, reliable and inter-grammatical features of these languages. Therefore, this study was an attempt to account for the inter-grammatical relations, language components, linguistic features, and different aspects of the similarities and differences observed between these three languages in terms of inflectional and syntactic issues contributing to the regional and world literature prospects.

This study was funded by the University of Tehran under the research project "Comparative Linguistic Investigation of Turkish, Persian and Urdu Languages" during a visiting scholarship to Istanbul University.

Keywords: comparison, grammatical relations, comparative literature, Turkish language, Persian language, Urdu language.

بررسی تطبیقی زبانشناختی روابط دستوری زبان ترکی استانبولی، فارسی و اردو

چکیده: وجود و نمود اشتراکات دستوری، صرفی و نحوی و ساختاری در جوامع زبانی بخرانگیز و بسیار قابل تأمل است. همواره در این زمینه ها مطالعات علمی توسط زبانشناسان و متخصصین این حوزه صورت میپذیرد که بدون شک از جایگاه ممتاز و محوری برخوردارند. یکی از روشهای انجام تحقیق در حوزههای علوم مختلف به ویژه حیطه ادبیات و زبانشناسی، روش مطالعه تطبیقی یا به عبارت دیگر بررسی مقایسه‌ای زبانشناختی (Comparative Linguistics) است. در حقیقت مقایسه و تطبیق در خصوص زبان و ادبیات و اندیشه‌های بشری در نوع خود جایگاه والایی دارد.

در واقع با انجام پژوهشی با رویکرد مقابله‌ای در مطالعات نحوی و ساختاری هر سه زبان ترکی استانبولی، فارسی و اردو میتوان به ویژگیهای خاص، قابل استناد و بین دستوری زبانه‌ای مذکور دست یافت.

مقاله حاضر نیز به طرح این مهم میپردازد که روابط بین دستوری، مولفها و ویژگیهای زبانی و وجوه اشتراکات و افتراقات هر سه زبان (ترکی، فارسی و اردو) را در مقوله‌های صرفی و نحوی تبیین نماید و به گستره ادبیات منطقی‌های و جهانی کمک شایانی بکند.

واژه‌های کلیدی: مقایسه، تطبیق، روابط دستوری، ادبیات تطبیقی، زبان ترکی استانبولی، فارسی، اردو، ساختار، مطالعات نحوی

مقدمه

زبان شناسی تطبیقی یا مقایسه‌ای (Comparative Linguistics) شاخه‌ای از علم زبان شناسی تاریخی است که مقایسه نظام زبان‌ها را برای کشف ارتباطات و نزدیکی‌های تاریخی انجام می‌دهد. یکی از حوزه‌های اصلی آموزش زبان "تحلیل مقایسه‌ای" است که در برگزیده شباهت‌ها، اختلاف‌ها و تفاوت‌های بین زبانی می‌باشد.

اگر از منظر رده شناسی دستوری زبان ها، به هر سه زبان ترکی استانبولی، فارسی و اردو نگریده شده شود، در حقیقت هر سه زبان در جایگاه "زبان های فعل پایانی" قرار می گیرند:

فاعل + مفعول + متمم + فعل اصلی ← فعل کمکی ← فعل ربطی

مقوله های هفت گانه دستوری یا همان انواع کلمه ها در زبان فارسی، ترکی و اردو یکسان می باشد اگرچه در کاربرد، هر کدام دارای خصوصیت های خاص خود است:

فعل، اسم، صفت، ضمیر، قید، حرف، شبه جمله (صوت)

ترتیب قرار گرفتن فعل و اجزای جمله در زبان ترکی استانبولی و زبان اردو درست مانند ترتیب ارکان جمله در زبان فارسی است:

فارسی: کمال امروز به دانشکده رفت.

فاعل قید متمم فعل (لازم)

اردو: کمال آج کالج میں گیا۔

فاعل قید متمم فعل (لازم)

ترکی استانبولی: Kemal bugün koleje gitti.

فاعل قید متمم فعل (لازم)

نکته قابل توجه اینکه در زبان ترکی استانبولی قیدهها معمولاً بعد از فاعل در جمله قرار می گیرند در حالیکه در زبان فارسی و در زبان اردو می توانند قبل و بعد فاعل قرار بگیرند:

فارسی: فردا دانشجویان صبح زود برای ورزش کردن به پارک خواهند رفت.

قید فاعل (نهاد) قید زمان متمم فعل (آینده)

اردو: کل طالب علم صبح سویرے ورزش کرنے کے لیے پارک میں جائیں گے۔

قید زمان فاعل قید زمان متمم فعل (آینده)

ترکی استانبولی: Öğrenciler yarın erkenden spor yapmaya parka gidecekler.

فاعل قید زمان قید زمان متمم فعل (آینده)

1- زبان شناسی تطبیقی یا مقایسه ای، شاخه ای از علم زبان شناسی تاریخی است که مقایسه زبان ها را برای کشف ارتباطات تاریخی آن ها انجام می دهد. راهکارهای اصلی در زبان شناسی تطبیقی مقایسه نظام های واجشناسی، دستور زبان و واژگان دو یا چند زبان است. (ویکی پدیا، دانشنامه)

قیدها در هر سه زبان ترکی، فارسی و اردو از حیث مفهوم و دارا بودن پیام، انواع گوناگونی دارند که هم از جهت کاربردی و معنایی مشابحت های زیادی دارند.

برای زبان های موجود جهان، تقسیم بندی های گوناگونی انجام گرفته است. در یکی از آن ها زبان ها را به سه دسته و گروه تقسیم کرده اند:

1- زبان های یک هجایی 2- زبان های پیوندی 3- زبان های اشتقاقی یا صرف پذیری¹

در این تقسیم بندی زبان ترکی در شمار زبان های پیوندی میآید که دارای هجای ثابتی است و برای دگرگونی معنوی واژگان و نشان دادن شخص و زمان و صیغه های فعل، پسوندها، پسواژکها و پسواژههایی به آخر جری ثابت (بن فعل) افزوده می شود. (احمدی گیوی، 1383:1)؛ مانند:

مصدر یازماک: نوشتن

یازدی: نوشت (سوم شخص مفرد ماضی ساده)

یازاجام: خواهم نوشت (اول شخص مفرد مستقبل)

یازارار: می نویسند (سوم شخص جمع، مضارع اخباری/آینده)

یاز: بنویس (دوم شخص مفرد، فعل امر ساده با ضمیر فاعلی "تو")

یازان، یازیچی: نویسنده (صفت فاعلی)

یازیل میش: نوشته شده (صفت مفعولی) و ...

همانگونه که مشاهده میگردد در همه موارد بالا "هجای یاز" (بن فعل) ثابت و تغییرناپذیر مانده است و در همه ساختارهای برگرفته از آن، افزوده ها تنها به آخر بن فعل افزوده شده اند. (همان: 2)

در حال حاضر جوامع زبانی ترکی استانبولی و همچنین زبان اردو دارای گونه های مختلف محاوره ای، گفتاری، نوشتاری و ادبی در اقصی نقاط میباشند که در نوع خود هردو شامل بزرگترین جامعه های متکلمین جهان نیز هستند.

از منظر و جایگاه نحوی و ساختاری (حیث فعل) هر سه زبان فارسی، اردو و ترکی استانبولی دارای جمله های فعلیه و اسمیه (اسنادی) اند.

مصادری که در هر سه زبان به کار می روند، مانند:

فارسی:	اردو:	ترکی استانبولی:
خوردن	کھانا	yemek

1-Inflectional

gitmek	جانا	رفتن
görmek-bakmak	دیکهنا	دیدن
oturmak	بیٚنهنا	نشستن
uyumak	سونا	خوابیدن
yapmak	بنانا	ساختن

همگی بر وقوع کاری مخصوص یا داشتن حالتی دلالت می کنند. این نوع فعلها را فعل تام یا کامل می گویند. در مقابل فعلهایی نیز هستند که معنی کاملی ندارند و فقط برای نسبت دادن چیزی به چیزی به کار میروند و معنای آنها با آوردن صفت یا کلمه ای دیگر کامل خواهد شد، این نوع فعل ها را فعل " اسنادی" یا فعل " ربطی" و " ناقص" می گویند. (احمدی گیوی- انوری، 1395: 53)

معروفترین فعل های اسنادی عبارتند: "بودن"، "شدن" و "است" و مشتقات آن از مصدر فرضی "استیدن"، ساخت های مختلف "گشتن" و "گردیدن" و "باشیدن، بایستن. (همان : 54)

جمله فعلیه: جمله ای است که فاعل در ابتدای جمله و فعل در پایان جمله قرار می گیرد:

فارسی: عارف غذایش را خورد.

فاعل/اسم مفعول فعل ماضی ساده

اردو: عارف نے اپنا کھانا کھایا.

فاعل/اسم نشانۀ فاعلی(خاص زبان اردو) ضمیر مشترک(مفرد مذکر) مفعول (مفرد مذکر) فعل ماضی ساده(فعل متعدی)(مفرد مذکر)

ترکی استانبولی: Arif yemeğini yedi.

فعل ماضی ساده ضمیر مشترک مفعول فاعل

فارسی: امروز در استانبول باران بارید.

فعل لازم

اردو: آج استنبول میں بارش ہوئی۔

فعل لازم

ترکی استانبولی: Bugün İstanbul'da yağmur vardı.

فعل لازم

جمله هایی که با فعل یا افعال ناگذر (غیر اسنادی) ساخته می شوند، دارای دو رکن میباشند: (گیوی-انوری، 197:1395)

1- نهاد(مسند الیه: فاعل) 2- فعل

جمله هایی که با فعل گذرا ساخته می شوند نیز سه رکن دارند: (همان:197)

1- نهاد 2- مفعول 3- فعل

جمله اسمیه: جمله هایی هستند که نهاد در ابتدای جمله قرار میگیرد. اینگونه جملات با افعال اسنادی(عام، ربطی) ساخته می شوند و دارای سه رکن میباشند:

1- نهاد 2- مسند 3- فعل ربطی (حال)

فارسی: هوا سرد است. خلیل معلم است.

نهاد مسند فعل ربطی(اسنادی) نهاد مسند فعل ربطی

اردو: موسم ٹھنڈا ہے. خلیل ٹاپیچر ہے.

نهاد(فاعل) مسند فعل ربطی حال نهاد مسند فعل ربطی

ترکی استانبولی: Halil öğretmendir. Hava soğuktur.

فعل ربطی مسند نهاد فعل ربطی مسند نهاد

فارسی: او پزشک است.

اردو: وہ ڈاکٹر ہے۔

ترکی: O doktordur.

فارسی: دیروز علی در مزرعه بود.

اردو: کل علی کھیت میں تھا۔

ترکی: Dün Ali tarlada idi (tarladaydı).

در مبحث تاثیرات زبانی، میتوان چنین اذعان کرد که زبان اردو از جهات مختلفی (الفبای نوشتاری، وامگیری واژگانی و قواعد دستوری و گرامری) بسیار متأثر از زبان فارسی است.

اما نکته قابل توجه این است که با نگاه و رویکردی انتقادی و تحلیلی در افعال هر سه زبان فارسی، ترکی استانبولی و اردو متوجه خواهیم شد که از منظر ساختاری و نحوی، تفاوت و اختلاف های مشهودی نیز در چگونگی و ساخت جملات قابل مشاهدهاند، به عنوان مثال در زبان اردو در برخی از زمانها به همراه فاعل و در جمله های متعدی، نشانه فاعلی (نمے) به

کار می‌رود، یعنی:

فاعل (اسم یا ضمیر) + ن (نشانه فاعلی در افعال متعدی) + مفعول + فعل متعدی

فارسی: کمال از دریاچه ماهیهای لذیذ گرفت (صید کرد).

فاعل مفعول فعل (ماضی ساده)

اردو: کمال نے دریا سے مزیدار مچھلیاں پکڑیں۔

فاعل نشانہ فاعلی مفعول (جمع مونث) فعل ماضی ساده و متعدی (فعل جمع مونث)

ترکی استانبولی: Kemal denizden lezzetli balık yakaladı.

فاعل مفعول فعل ماضی ساده

فارسی: من و برادرانم فردا از کتابخانه دانشکده کتابهای جدید امانت خواهیم گرفت.

فاعل قید زمان متمم مفعول فعل آینده ساده

اردو: میں اور اپنے بھائی کل کالج کی لائبریری سے نئی کتابیں ادھار لیں گے۔

فاعل قید زمان متمم مفعول فعل متعدی

ترکی: Ben ve kardeşim yarın okulun kütüphanesinden yeni kitaplar alacağız.

فاعل مفعول قید زمان متمم فعل

جمله بالا ملاحظه شود. زمان جمله، آینده ساده یا مستقبل است که در زبان اردو نشانہ فاعلی (نے) همراه فاعل در جمله نخواهد آمد و کاربردی ندارد. در حقیقت نے نشانہ فاعلی در زبان اردو در افعال متعدی و در زمانهای ماضی ساده، ماضی نقلی، ماضی بعید، ماضی شکیه و ماضی شرطیه و ماضی تمنایی کاربرد خاص دارد.

چنین به نظر می‌رسد که فرایند «نے» (نشانہ فاعلی) و «کو» (نشانہ مفعولی) از مباحث اساسی و دستوری (نحوی) زبان اردو است که در ساختار جملات تغییراتی به وجود می‌آورد که نیازمند بررسی و کاوش بیشتری میباشد.

کاربرد "نے" و "کو" در افعال ماضی ساده، ماضی نقلی و ماضی بعید:

نے: نشانہ فاعلی است که در جملات با افعال متعدی به همراه فاعل استفاده می‌شود و کاربرد دارد.

کو: نشانہ مفعولی است که در جملات با افعال متعدی به همراه مفعول استفاده می‌شود و کاربرد دارد.

عموماً در این سه زمان (ماضی ساده، ماضی نقلی و ماضی بعید) چنانچه افعال به کار برده، افعال متعدی باشند در این صورت کاربرد و استفاده نشانہ "نے" فاعلی به همراه فاعل، اجباری خواهد بود.

ولی چنانچه در این سه زمان (ماضی ساده، ماضی نقلی و ماضی بعید) افعال به کار رفته افعال لازم باشند در این صورت "نے" نشانہ فاعلی هیچ کاربرد و استفاده ای ندارد.

فعل ماضی سادہ (افعال متعدی)

میں نے بازار سے کتاب خریدی۔
فاعل نشانہ فاعلی مفعول فعل متعدی (مفرد مونث)

ہم نے گھر میں اپنا کھانا کھایا۔
فاعل نشانہ فاعلی ضمیر مشترک مفعول فعل متعدی (مفرد مذکر)

انہوں نے ریسٹورانٹ میں سبز چائے پی۔
فاعل نشانہ فاعلی صفت مفعول فعل متعدی (مفرد مونث)

مطابق گرامر و دستور زبان اردو چنانچہ اگر در جملات متعدی و در زمان های ماضی سادہ، ماضی نقلی و ماضی بعید نشانہ فاعلی ”نے“ و نشانہ مفعولی ”کو“ باہم بیابند در آن صورت فعل جملہ حتماً بہ صورت مفرد مذکر خواهد آمد۔

میں نے بازار سے کتاب کو خریدی۔
فاعل نشانہ فاعلی مفعول نشانہ فاعلی فعل متعدی (مفرد مذکر)

ہم نے ریسٹورانٹ میں سبز چائے کو پی۔
فاعل نشانہ فاعلی مفعول نشانہ مفعولی فعل متعدی

در اینصورت اگر مفعول، مفرد یا جمع باشد، مونث باشد یا مذکر باز ہم تفاوتی در ساختار جملہ بوجود نخواهد آمد و فعل جملہ بہ صورت مفرد مذکر خواهد بود مثلاً :

دھویی نے کپڑوں کو گھر میں دھویا۔

فاعل مفعول فعل متعدی (مفرد مذکر)

عارف نے بازار سے کتابوں کو خریدی۔

فاعل مفعول فعل متعدی (مفرد مذکر)

ماضی نقلی:

آپ نے کھیت میں کام کیا ہے۔

آپ نے کھیت میں کام کو کیا ہے۔

آپ نے کھیت میں کاموں کو کیا ہے۔

راشد نے کلاس میں کتاب پڑھی ہے۔

راشد نے کلاس میں کتاب کو پڑھا ہے۔

راشد نے کلاس میں کتابوں کو پڑھا ہے۔

ماضی بعید:

میں نے دیوار پر خوبصورت تصویر لگائی تھی۔

فاعل نشانہ فاعلی مفعول فعل

میں نے دیوار پر خوبصورت تصویر کو لگایا تھا۔

میں نے دیوار پر خوبصورت تصویروں کو لگایا تھا۔

میں نے دیوار پر خوبصورت تصویریں لگائی تھیں۔

فاعل نشانہ فاعلی مفعول فعل متعدی (جمع مونث با توجہ بہ مفعول جملہ)

صائمہ نے کلاس میں سبق کو دھرایا تھا۔

فاعل نشانہ فاعلی مفعول فعل متعدی (مفرد مذکر)

عارفہ نے گھر میں برتنوں کو دھویا تھا۔

فاعل نشانہ فاعلی مفعول فعل متعدی (مفرد مذکر)

نکتہ مهم این است کہ در صورتی کہ "نے" فاعلی بہ همراه فاعل (خواہ ضمیر و خواہ اسم) بیاید و "کو" نشانہ مفعولی نیز وجود نداشته باشد در این صورت فعل جملہ مطابق قواعد زبان اردو از نظر جنسیت و تعداد بہ مفعول جملہ بر می گردد و مطابق با آن خواهد آمد. مثلاً:

ان طالبعلموں نے کالج میں کھانا کھایا۔

فاعل نشانہ فاعلی مفعول فعل متعدی (مفرد مذکر)

ان طالبعلموں نے کالج میں کھایا ہے۔

ان طالبعلموں نے کالج میں کھایا تھا۔

عارف نے اپنا سبق بخوبی پڑھا۔

فاعل نشانہ فاعلی مفعول مفرد مذکر فعل متعدی (مفرد مذکر)

عارفہ نے تندور میں روٹی پکائی۔

فاعل نشانہ فاعلی مفعول مفرد مونث فعل متعدی (مفرد مونث)

ہم نے تندور میں مزیدار روٹیاں پکائیں۔

فاعل نشانہ فاعلی مفعول جمع مونث فعل جمع مونث

علی نے بازار سے نئے نئے کپڑے خریدے۔

فاعل نشانہ فاعلی مفعول جمع مذکر فعل جمع مذکر

در نتیجه این محث:

1- افعال به دو بخش لازم و متعدی تقسیم می شوند.

2- در صورت کاربرد افعال متعدی در جملات ساختار جملات تغییر می کند:

فاعل + نے + مفعول + فعل متعدی

فاعل + نے + مفعول + کو + فعل متعدی

3- " نے " نشانه فاعلی به هیچ وجه در افعال لازم کاربرد ندارد.

4- اگر " نے " و " کو " در جملات متعدی بیابند پس فعل جمله حتماً به صورت مفرد مذکر خواهد آمد.

5- در جملات متعدی و در زمان های ماضی ساده، ماضی نقلی و ماضی بعید فعل جمله از نظر جنسیت و تعداد به مفعول جمله برمیگردد و مطابق با آن میآید. (یعنی اگر مفعول جمله مفرد و مونث باشد پس فعل متعدی جمله مفرد مونث خواهد آمد.

6- افعال لے جانا، لے آنا، لانا و بھولنا اگرچه متعدی باشند ولی طبق قاعده فعل های لازم در گرامر اردو عمل می کنند و استثناء هستند.

نکته مهم دیگر در خصوص افعال و اسامی در زبان اردو که یکی از ویژگی های اصلی این زبان به حساب میآید مقوله تذکیر و تانیث (جنسیت) و مفرد و جمع (تعداد) است که فراتر از دیگر مباحث، به ذهن خواننده متبادر میگردد.

در زبان اردو برخلاف زبان های فارسی و ترکی استانبولی، فعل جمله از نظر مذکر و مونث، مفرد و جمع با فاعل جمله مطابقت خواهد داشت. به صورت سادهتر یعنی:

اگر فاعل جمله مفرد و مذکر باشد، فعل جمله نیز مفرد مذکر خواهد بود.

مصدر آنا:

لڑکا صبح سویرے ورزش کرنے کے لیے پارک میں آیا۔

پسر فعل مفرد مذکر

«1- فاعل مفرد مذکر: فعل مفرد مذکر»

فاعل (مفرد مذکر) (فعل لازم)

لڑکی صبح سویرے ورزش کرنے کے لیے پارک میں آئی۔

دختر فعل مفرد مونث

«2- فاعل مفرد مونث: فعل مفرد مونث»

فاعل (مفرد مونث) (فعل لازم)

لڑکے صبح سویرے ورزش کرنے کے لیے پارک میں آئے۔

پسران فاعل جمع مذکر

«3- فاعل جمع مذکر: فعل جمع مذکر

فاعل (جمع مذکر) (فعل لازم)

لڑکیاں صبح سویرے ورزش کرنے کے لیے پارک میں آئیں۔

دختران فاعل جمع مونث

«4- فاعل جمع مونث: فعل جمع مونث

فاعل (جمع مونث) (فعل لازم)

در واقع این مقوله، ساخت های متفاوت در جملات و صرف افعال نیز پدید میآورد. نکته دیگری که در ارتباط با مطابقت فعل و فاعل باید ذکر کرد این است که در جملات چنانچه اگر بیش از دو فاعل وجود داشته باشد، در اینصورت فعل جمله مطابق نزدیکترین فاعل به خود یعنی آخرین فاعل جمله خواهد آمد. (عباس بلوچ، 1388:126)

به عنوان مثال:

1- کالج میں طالب علم، لڑکے اور لڑکیاں اپنے اپنے سبق پڑھ رہی ہیں۔ (مصدر پڑھنا: خواندن)

فاعل 1 (جمع مذکر) فاعل 2 فاعل 3 (جمع مونث) نزدیکترین فاعل به فعل فعل (جمع مونث) حال استمراری

(در دانشکده، دانشجویان پسر و دختر دارند درسهایشان را می خوانند.)

2- کیا احمد کی بہنیں اور اس کے بھائی ابھی گھر سے نکلیں گے؟ (مصدر نکلنا: خارج شدن)

فاعل 1 فاعل 2 (آخرین فاعل نزدیک به فعل (جمع مذکر)) فعل آئندہ سادہ (جمع مذکر)

(آیا خواهران و برادران احمد هم اکنون از خانه خارج خواهند شد؟)

3- مصدر جانا: رفتن (جزء مصادر استثناء میباشد)

علی گھر گیا۔

فاعل مفرد مذکر فعل مفرد مذکر

صائمہ گھر گئی۔

فاعل مفرد مونث فعل مفرد مونث

علی اور محمد گھر گئے۔

فاعل جمع مذکر فعل جمع مذکر

صائمه اور عارفه گهر گئیں

فاعل جمع مونث فعل جمع مونث

اهمیت مبحث فوق در این نکته آشکارتر میگردد که در زبان اردو صرفاً در افعال لازم تطابق فعل و فاعل در جنس و تعداد را خواهیم داشت؛ در حالیکه در افعال متعدی و در زمان های مختلف مولفه ها و مشخصه ها تغییر مینمایند. در بیشتر زمان های ماضی در افعال متعدی، فعل از نظر جنسیت و تعداد با توجه به مفعول، جمله خواهد آمد. در واقع پیچیدگی و دشواریهای دستوری و گرامری زبان اردو از حیث آموزش زبان و علم زبان شناسی نمایان تر می شوند.

در دستور زبان فارسی و ترکی استانبولی و در ساختار جملات با افعال لازم و متعدی هردو زبان، مقوله "جنسیت و تعداد" در اشکال تخصصی وجود ندارد. به ویژه در صرف و گردان افعال و مثال ها و جملات هیچ نشانی از این دست ملاحظه نمیشود.

یکی از ویژگی های خاص زبان فارسی در دستور زبان، مبحث "نمود صرفی" است. مهدی مشکاة الدینی، نمود صرفی را با عنوان کلی "نمود" در دستور زبان فارسی امروز یا زبان فارسی معیار قرارداده است. (مشکاة الدینی، 1379: 87-89)

نمود را چنین تعریف میکنند: فعل، مشخصه های نحوی ویژه ای را داراست. یکی از مشخصه های آن مربوط به چگونگی انجام رسیدن فعل از لحاظ وقوع فعل ساده، پیشرفت یا استمرار یا پایان یافتن آن است. به مشخصه های یاد شده نمود گفته می شود. بنابراین، سه مشخصه ساده، استمراری و کامل وجود دارد:

"در تبیین مبحث نمود صرفی در دستور زبان فارسی، وحیدیان- کامیار نیز چنین توضیح می دهد "نحوه انجام گرفتن فعل از نظر شروع و پایان و استمرار را نمود فعل میگویند". فعل در زبان فارسی فقط نمود استمراری دارد. البته این نمود در فارسی گفتاری به کار می رود اما در فارسی نوشتاری نیز کاربرد دارد و دارای سه ساخت است 1- ماضی مستمر 2- ماضی مستمر نقلی 3- مضارع مستمر. (وحیدیان- کامیار، 1386: 55)"

نمود صرفی مقوله ای است که وجود آن در ساخت صرفی فعل، فعل را فراتر از مفاهیمی که با ساخت زمانی آن به ذهن متبادر میشود از هویت معنایی جدیدی میسازد که نشانگر پویایی زبان فارسی (یکی از خصوصیات زبان فارسی امروزی) و محدود نمادین این زبان به ساخت های زمانی روزگار گذشته است.

در اینجا باید یادآوری کرد که نمود صرفی از نظر ساختار و کاربرد با زمان های مختلف افعال متفاوت می باشد. در هنگام استفاده از افعال کمکی در جملات که معمولاً زمان های خاصی را به وجود می آورند در حقیقت فعل اصلی، صرف نخواهد شد و به صورت صفت مفعولی (بن ماضی + ه) خواهد آمد.

مثال:

ماضی نقلی: رفتهام، رفتهای، رفته است، رفته ایم، رفته اید، رفته اند

در زبان اردو مصدر "جانا" به معنای رفتن است که اشکال آن در ماضی نقلی بصورت زیر است:

ماضی نقلی:

فعل ربطی یا کمکی از مصدر "پونا" در زبان اردو به معنای "شدن" یا "بودن" است که در ماضی نقلی مطابق با فاعل (ضمیرهای فاعلی) تغییر می کند.

با بررسی های انجام یافته می توان ادعان داشت که نمود در زبان های فارسی و اردو تقریباً با یکدیگر مشابحت و نزدیکی دارند. فعل اصلی و کمکی با هم صرف میشوند که در این صورت هر نمود صرف دارای دو شناسه معین خواهد بود.

نمونه های بیشتری از زمان های متفاوت در زبان اردو و فارسی مرتبط با مبحث نمود صرفی فعل وجود دارند که هر دو بخش فعل (فعل کمکی و اصلی) با هم صرف نمی شوند. مثلاً زمان آینده ساده نیز از این قاعده مستثنی نمی باشد.

در خصوص ساخت های زمانی، در هر دو زبان فارسی و اردو می توان به این نتیجه دست یافت که هر دو زبان در برگزیده یک شناسه می باشند ولی در ویژگی کاربرد نمود صرفی هر دو زبان، دارای دو شناسه خواهند بود.

در زبان ترکی استانبولی و در ساختار ادبی امروزی آن ریشه فعل(بن فعل) + میانوند یا پسوند "میش" و مترادف های آن موش(muş)، مش(miş) و فعل کمکی، نمود صرفی شکل می گیرد.

ترکی استانبولی	اردو	فارسی
مذکر ومونث	مذکر ومونث	مذکر و مونث
Ben gitmişim	میں گیا ہوں = گئی ہوں	من رفتهام
Sen gitmişsin	تو گیا ہے = گئی ہے	تو رفتهای
O gitmiş	وہ گیا ہے = گئی ہے	او رفتهاست
Biz gitmişiz	ہم گئے ہیں = گئی ہیں	ما رفتهایم
Siz gitmişsiniz	تم گئے ہو = گئی ہو	شما رفتهاید
Onlar gitmişler	وہ/یہ گئے ہیں = گئی ہیں	آنها/ایشان رفتهاند

در زبان فارسی ماضی نقلی معمولاً در موارد زیر به کار می رود: (احمدی گیوی-انوری، 1395: 31)

- بیان فعلی که در زمان گذشته شروع شده و هنوز ادامه دارد.
- بیان فعلی که در گذشته اتفاق افتاده و اثر یا نتیجه آن تا حال باقی است.
- بیان فعلی که واقع نشده ولی انتظار واقع شدنش می رود.
- به جای ماضی التزامی مانند :

گویا جایی خواننده ام که این کتاب را به او نسبت داده اند.

در زبان ترکی استانبولی و در سطوح دستوری نیز مشابحت های بسیاری با زبان فارسی و روابط دستوری آن دیده میشود. به عنوان مثال کاربرد موارد و فرایند بالا در ماضی نقلی در فارسی و ترکی استانبولی بسیار نزدیک و قرین به هم است.

در خصوص بن فعل در زبان ترکی استانبولی، نکته قابل تاملی که وجود دارد و در خور توجه است این است که ریشه فعل(بن فعل) در زمانها و افعال مختلف، یکسان است و تغییر نمی کند ولی در زبان فارسی این چنین نیست.

ساختن	خوردن،	دیدن،	آمدن،	مصادر فارسی: رفتن،
(ساختن: ساز)	-(خوردن: خور)	-(دیدن: بین)	-(آمد: آ)	-(رفت: رو)
بنانا	کهاننا،	دیکهنا،	آنا،	مصادر اردو: جانا،
(بنانا: بنا)	-(کهاننا: کها)	-(دیکهنا: دیکه)	-(آنا: آ)	-(جانا: جا)
gitmek	gelmek	görmek	yemek	مصادر ترکی: yapmak
(git)	(gel)	(gör)	(ye)	(yap)

در زبان اردو نیز بجز در چند مورد مصادر استثناء ریشه فعل(بن فعل) تغییر نمیکند.

افعال در زبانهای اردو و فارسی هر دو از مصادر مشتق می شوند. هر دو زبان در زمره زبان های آریایی قرار دارند. در زبان اردو مصادر بیشتر از زبان "پراکرتی" هستند که ریشه آنها زبان سنسکریت قلبی است. (عطاالله، 1387: 310)

آشنایی با کارکردهای "نمود افعال" برای دانشجویان زبان و ادبیات خارجی امری ضروری میباشد، بویژه در مباحث دستوری و از منظر ساختاری و نحوی، دانستن میحث انواع نمود حائز اهمیت است. در حقیقت مبحث نمود، زمان دستوری را از زمان غیر دستوری متمایز میکند. (ماهوئیان، 1378: 226)

اهمیت مبحث نمود در "زبان شناسی تطبیقی" آشکارتر است، زیرا در هر خانواده زبانی، مبحث نمود و زمان فعل وضعیت کاملاً متفاوتی دارد؛ از جمله در خانواده زبان چینی-تبتی، هیچ نشانی از مقوله زمان در صرف فعل نیست و در عوض مفاهیم زمانی در این خانواده زبانی به مدد نمود بیان می شود. (Wikipedia/Grammatical Aspect)

در سال های اخیر مقوله نمود با ویژگی های فعل در زبان فارسی نیز تطبیق داده شده است. (مجیدی، فصلنامه علمی پژوهشی "پژوهش زبان و ادبیات فارسی" 146: 146)

زبان اردو در حقیقت نتیجه اختلاط و آمیزش زبان ها و گویش های متفاوتی است. علاوه بر تاثیرات زبانی فارسی و ترکی بر زبان اردو، تاثیر گویش های محلی پنجابی، راجستانی، برج باشا (برج بھاشا)، کری بولی (کھری بولی) و اردوی معلی نیز کاملاً مشهود است. ذخیره واژگانی و قواعد دستوری نیز در زبان اردو، از دیگر زبان ها به ویژه از فارسی به عاریت گرفته شده اند.

با وجود همه این مسائل، زبان اردو، زبانی مستقل، خود مختار و آزاد است، شواهد نیز بیانگر این مسئله است. زادگاه اولیه زبان اردو، سرزمین پنجاب می باشد که با ورود مسلمانان به دهلی، زبان اردو به عنوان یک زبان نوپا و جدید به وجود می آید و "اردو" نامیده می شود. (اشرف کمال، 1388: 56)

زبان های اردو، فارسی و هندی از هم خانواده ی بزرگ هندواروپایی "Ind-European" به شمار می آیند. زبان ترکی استانبولی در زمره خانواده کاملاً جدا و متعلق به گروه زبان آلتایی "Altaic-ugric-finnie" (Ural-Altayca) است. زبان های مغولی، مجاری و مجارستانی نیز جزو آن خانواده زبانی میباشند. (اشرف کمال: 57)

نزدیک به هشتصد سال، زبان فارسی، زبان دریاریان و شاهان مسلمان هندوستان بوده است و یکی از دلایل متاثر بودن زبان اردو از زبان و ادبیات فارسی نیز همین امر میباشد.

وامگیری واژگانی زبان اردو از زبان فارسی به مراتب بسیار بیشتر از وامگیری واژگانی اردو از زبانهای عربی و ترکی است. یکی از دلایل اصلی که یادگیری زبان اردو را برای ترک زبانان تسهیل تر مینماید، وجود همین ذخایر واژگانی عظیم هر سه زبان، خصوصاً زبان فارسی است. (خلیل طوقار، 1393: 145)

SUMMARY

A COMPARATIVE LINGUISTIC STUDY OF THE GRAMMATICAL RELATIONS OF TURKISH, PERSIAN AND URDU LANGUAGES

Mohammad KIOUMARSI*

Comparative linguistics is a branch of historic linguistics, which compares the system of languages to explore their historical relationship. One of the main areas of language teaching is comparative analysis, which includes the similarities and differences. The existence of grammatical, inflectional, syntactic, and structural similarities among different languages is a debatable and worth considering to discuss. For long time in this area a scientific studies have been conducted by linguists and experts who have an outstanding knowledge within the realm of linguistics. One of the research methods employed in different areas of science especially literature and linguistics is comparative design.

This study is an attempt to explain the account for the inter-grammatical relations, language components, linguistic features and different aspects of the similarities and differences observed between Turkish, Persian and Urdu languages in terms of inflectional and syntactic issues contributing to the regional and world literature prospects. The remarkable thing of finding is that if we have a critically and analytic look of Persian, Turkish and Urdu verbs, we realize that there are clear differences in the constructing of sentences. For example in Urdu language, the transitive sentences the word NE (نے) would be used with the subject some times. Another important point about Urdu nouns and verbs uses are feminine, masculine (genders), singular and plural (numbers). In Urdu language unlike Persian and Turkish, the verb matches the subject in genders and numbers.

Urdu, Persian and Hindi languages belong from major family of Indo-European languages. However, Turkish language belongs to another different family, which called Ural-Altaiic. Mongolian and Hungarian languages are also belongs to this family of languages.

For about eight hundred years, Persian language was official language of India and it is one of the reasons that Urdu has many similarities with Persian.

* Assoc. Prof., Urdu Language and Literature Department, Faculty of Foreign Languages and Literatures, University of Tehran (kiamarsi@ut.ac.ir)

فهرست منابع و مآخذ:

- احمدی گیوی، حسن(1383)، دستور تطبیقی زبان ترکی وفارسی، چاپ اول، تهران: نشر قطره
- احمدی گیوی، حسن/انوری، حسن (1395)، دستور زبان فارسی(1)، چاپ پنجم، تهران: انتشارات فاطمی
- عباس بلوچ، سهیل(2010م)، بنیادی قواعد اردو، چاپ اول، اسلام آباد، پاکستان: مقتدرہ قومی زبان پاکستان
- مشکوٰۃ الدینی، مہدی(1379)، دستور زبان فارسی بر پایه نظریہ گشتاری، چاپ چہارم، مشهد: انتشارات دانشگاه فردوسی
- وحیدیان کامیار و عمرانی، تقی و غلامرضا(1386)، دستور زبان فارسی(1)، چاپ سوم، تهران: انتشارات سمت
- مجیدی، مریم (1388)، جلوه ها وکارکردهای نمود فعل در زبان فارسی، فصلنامہ علمی پژوهشی "پژوہش زبان و ادبیات فارسی"، شمارہ پانزہم، تهران: پژوہشگاہ علوم انسانی و مطالعات اجتماعی
- عطا اللہ خان، محمد(2009 م)، اردو اور فارسی کے لسانی روابط، چاپ اول، کراچی(پاکستان): انجمن ترقی اردو پاکستان
- ماہوتیان، شہرزاد(1378)، دستور زبان فارسی از دیدگاہ ردهشناسی، ترجمہ مہدی سماپی، تهران: انتشارات مرکز اشرف کمال، محمد(2009م)، لسانیات، زبان اور رسم الخط، چاپ اول، فیصل آباد(پاکستان): چاپ شرکت پرنٹنگ پریس، لاہور
- طوقار، خلیل(2015م)، اردو کا مستقبل، اشاعت اول، لاہور(پاکستان): سانجھ